

جایگاه امامت و ولایت در اندیشه و عمل حضرت زینب علیها السلام

محسن مطلبی جونقانی*

حبیب زمانی محبوب**

چکیده

امامت و ولایت از ارکان اصلی دین اسلام به ویژه مذهب تشیع است که در آیات و روایات متعددی بر لزوم آن و شایستگی اهل بیت علیهم السلام برای آن مقام تأکید شده است.

اهل بیت علیهم السلام و خاندان ایشان در مسیر رسالت خویش، در حفظ و صیانت این مقام رفیع و دفاع از آن اهتمام ویژه‌ای ورزیده‌اند. حضرت زینب علیها السلام عالمه و عقیده بنی‌هاشم نیز به نوبه خود تلاشی وافر در پاسداری از ولایت و امامت داشته و اقدامات فراوانی در این زمینه انجام داده است.

این مقاله بر آن است تا ضمن تبیین مختصر مقام امامت و ولایت و جایگاه آن در دین اسلام، نحوه و میزان اهتمام و کوشش حضرت زینب علیها السلام را در دفاع از این مقام رفیع مورد بررسی و کاوش قرار دهد.

کلید واژه: حضرت زینب علیها السلام، امام حسین علیه السلام، ولایت، امامت، نهضت عاشورا.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی قم.

** عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.

پیش از بررسی تلاش امام حسین (علیه السلام) در دفاع از جایگاه امامت و ولایت، شایسته است در مقدمه، معنا و جایگاه این مقام در مکتب اسلام و تشیع به اختصار تبیین گردد. امامت در لغت، به معنای پیشوایی و رهبری است. واژه «امام» در موارد و معانی گوناگونی کاربرد دارد و گستره کاربست آن، از امامان معصوم تا ائمه کفر را دربرمی گیرد، چنانچه در قرآن کریم به هر دو مورد اشاره شده است: در سوره سجده آیه ۲۴ می فرماید: «و جعلنا منهم ائمة يهدون بأمرنا» و همچنین در سوره قصص آیه ۴۱ فرموده است: «و جعلناهم ائمة يدعون إلى النار».

در اصطلاح، امامت را با عبارت‌های فراوانی تعریف نموده‌اند، به طوری که در هر کتاب کلامی، از امامت تعریفی خواهید یافت. با نگاهی کلی به دیدگاه مذاهب اسلامی نسبت به امامت، چنین برداشت می‌شود که بیشتر آنها، امامت را مقامی می‌دانند که صاحب آن، عهده‌دار ریاست امور مسلمانان است. باید توجه داشت که در این نگرش، به بُعد سیاسی امامت تأکید بیشتری شده است. (مطهری، ۱۳۷۲، ۲/۲۸۰)

مذهب تشیع، معنایی فراتر از این تعریف برای امامت و ولایت دارد. در نظر مکتب شیعه، امامت منصب و موهبتی الهی است که منحصر به حکومت و مرجعیت نیست. بلکه امام، عهده‌دار هدایت همه‌جانبه دین و دنیای بشریت است. (مرعشی تستری، ۱۰۱۹م، ۲/۳۰۰)

مسئله امامت از مهم‌ترین مسایل علم کلام اسلامی است و پس از توحید، موضوعی تا این اندازه، توجه متکلمان و محققان و اندیشمندان اسلامی را به خود جلب نکرده است. همچنین درباره هیچ مبحثی به مانند امامت، میان مسلمانان اختلاف درنگرفته است. **شهرستانی** در *الملل و النحل* می‌نویسد: «در هیچ زمان، هیچ شمشیری همچون شمشیری که به خاطر امامت کشیده شد، بر بنیاد دین فرود نیامد». (شهرستانی، ۱۴۰۰ق، ۱/۲۴)

امامت، از ضروری‌ترین نیازهای جامعه بشری است. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۸۵) دین اسلام که کامل‌ترین ادیان است و از هیچ‌یک از مسایل مادی و معنوی زندگی انسان غافل نشده، به این امر حیاتی توجهی ویژه داشته است. در مکتب اسلام، به همان اندازه که وجود پیامبران برای هدایت بشری لازم بوده، ضرورت وجود امامان نیز غیر قابل انکار است؛ چراکه انسان در هر زمان و هر مکان، برای رسیدن به سعادت حقیقی، نیازمند راهنمایی است که او را



تا سرمنزل مقصود، راه بنمایند. بر این اساس، در منظومه معرفت اسلامی، امامت مکمل و متمم رسالت است و امام - جز در آوردن و ابلاغ شریعت- در همه شئون و وظایف، همانند پیامبر است.

مسئله امامت و ولایت در مکتب تشیع، جایگاهی محوری دارد؛ امام رکن و ستون اسلام و صاحب عالی‌ترین مرتبه ولایت الهی است و اندیشه‌ها از پی بردن به کنه و ژرفای این مقام، عاجز و ناتوان‌اند. امامان شیعه، ولایت بر مسلمین را حق خود می‌دانستند و به غاصب بودن دیگران عقیده داشتند؛ چراکه این منصب الهی از سوی خداوند متعال برای آنان تعیین شده بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بارها آن را اعلام فرموده بود. افزون بر این، ولایت در اسلام بر پایه لیاقت و صلاحیت است و بی‌گمان، صالح‌ترین افراد برای زمامداری مسلمانان، امامان معصوم علیهم السلام بودند.

نقش حضرت زینب علیها السلام پیش از عاشورا

راز ماندگاری و جاودانگی حادثه عاشورا، نقش عظیمی است که حضرت زینب علیها السلام پس از آن ایفا نمود. آغاز این نقش‌آفرینی در دفاع از مقام امامت و ولایت، روز عاشورا نبود. او این رسالت را از اوان کودکی بر دوش کشید. در دوران مادرش، حضرت زهرا علیها السلام، در دوران زندگی پدرش حضرت علی علیه السلام و پس از شهادت پدر، در دوران برادر بزرگش امام حسن مجتبی علیه السلام، همواره آرامش‌بخش غم‌های برادران و خانواده بود. (جزایری، ۱۴۰۴ق، ۸۲)

شهادت حضرت فاطمه علیها السلام و آغاز رسالت زینب علیها السلام

پس از رحلت جانگداز حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و آغاز غم و اندوه حضرت فاطمه علیها السلام، زینب تسلی‌بخش اندوه مادر بود. بزرگ‌بانوی اسلام با دلسوزی و مهربانی در کنار مادر بیمارش می‌نشست و غمخوار وی بود. حضرت زهرا علیها السلام در بالین مرگ، به حضرت زینب وصیت می‌کند که از برادرانش جدا نشود و پیوسته با آنان باشد و به جای او، برای برادران مادری کند. (بشیری، ۱۳۸۵، ۵۱؛ بنت الشاطی، بی‌تا، ۵۸)

زینب علیها السلام به آن اندازه فهیمه و عقیده است که مادر، دو امانت به او می‌سپارد که هر دو

امام‌اند. زینب باید نگاهبان حریم ولایت و امامت در خانه علی علیه السلام باشد.

پس از شهادت مادر، حضرت زینب کبری جایگزین ایشان و حامل رسالت وی شد. تمام صفات حضرت زهرا علیها السلام در وجود این پرورش یافته دامن نبوت و امامت، شکل گرفته بود، به گونه‌ای که نمونه کاملی از عبادت، زهد، صبر، شجاعت و پایداری حضرت زهرا علیها السلام شده بود. (مغنیه، بی‌تا، ۶۸) زینب علیها السلام، مفسر قرآن و محدث است، در مجلس دفاع مادر از حقوق اهل بیت و میراث غضب‌شده فدک شرکت دارد و راوی خطبه مادر است. (مجلسی، ۱۳۶۲، ۲۹/۲۱۶)

زینب، یاور امامان زمانه خویش

زینب علیها السلام به هنگام مصیبت از دست دادن فاطمه علیها السلام، همراه و آرام‌کننده پدر و برادران است. در دوران خلافت امام علی علیه السلام در متن جریان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه قرار دارد. (بشیری، ۱۳۸۵، ۳۹) به هنگام شهادت پدر، با آنکه حضرت علی علیه السلام مایل نبود زینب علیها السلام، فرق شکافته و خون‌آلودش را ببیند، به استقبال پدر شتافت و با اشک، زخم پدر را شستشو داد. (بشیری، ۱۳۸۵، ۴۶)

پس از شهادت امام علی علیه السلام نیز زینب در خانه پدر، موقعیتی خطیر یافت. حوادث ناگوار، او را آبدیده و آماده نمود تا جای مادر و پدر را بگیرد و آنان را در خط امامت همراهی کند. او یاور امامان زمانه خویش و رسالتش، حفظ امامت و ولایت است. زینب علیها السلام شاهد خیانت معاویه به امام حسن علیه السلام و رفتار دنیاپرستان با ایشان بود. وقتی خوارج بر امام حسن علیه السلام زخم زدند، زینب به پرستاری از برادر پرداخت و پس از مصالحه برادر، به اتفاق اهل بیت، کوفه را به سمت مدینه ترک نمود. او با برادر همراه بود تا آنکه به داغ برادر مبتلا گردید.

پس از شهادت امام حسن علیه السلام، چشمان بنی‌هاشم، از جمله زینب کبری علیها السلام به امام حسین علیه السلام دوخته شده بود. دفتر ایام ورق خورد تا آنکه معاویه به هنگام مرگ، بر خلاف مصالحه با امام حسن علیه السلام، فرزند شرابخوارش، یزید را بر خلافت مسلمین گمارد و از همگان برای او بیعت گرفت. اینجا بود که رسالت اصلی امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام آغاز شد؛ رسالتی که منجر به شهادت امام حسین علیه السلام در عاشورا و اسارت زینب علیها السلام و خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم گردید.



پیش از آنکه به نقش حضرت زینب کبری (علیها السلام) در واقعه عاشورا بپردازیم، لازم است به تلاش‌های امویان در تخریب جایگاه امامت و ولایت و نقش عظیم و برجسته امام حسین (علیه السلام) و حضرت زینب کبری (علیها السلام) در دفاع از این مقام رفیع اشاره‌ای کوتاه شود.

امویان و تخریب جایگاه امامت

زمامداران اموی که از دوران خلافت عثمان (۲۴-۳۵ق) با دستیابی به امارت شام، بر مرکب قدرت سوار گشتند، در سال ۴۱ به طور رسمی خلافت جامعه اسلامی را از آن خود نمودند. آنها با بهره‌گیری از جهل سیاسی مسلمانان در سرزمین شام بنای حکومتی را نهادند که از بنیان با اسلام تضاد داشت. سیاست دستگاه خلافت اموی که بر فتنه‌انگیزی و تفرقه‌افکنی استوار بود، قدرت سیاسی را از امام علی (علیه السلام) و سپس از امام حسن (علیه السلام) ربود و در نتیجه معاویه که از دین و آیین محمد (صلی الله علیه و آله) هیچ بویی نبرده بود، بر مسند خلافت جامعه اسلامی تکیه زد. با روی کار آمدن معاویه، ارزش‌های اسلامی از جامعه رخت برپست و دین اسلام گرفتار انحراف شد. البته ریشه‌های این انحراف را باید در سقیفه بنی‌ساعده و امتداد نیافتن رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) در ولایت اهل بیت (علیهم السلام) جست؛ آنجا که با تلاش برای خروج رهبری از نظام ولایی، حریم و قداست ولایت را شکستند و پیشوایی و رهبری امت اسلامی را از مسیر حقیقی خویش منحرف ساختند.

معاویه در دوران خلافت ۲۰ ساله خویش (۴۱-۶۰ق) چنان جامعه اسلامی را دچار انحراف و انحطاط ساخت که امامت - یکی از دو میراث گران‌بهای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و یادگار سترگ او - جایگاه خود را از دست داد. وی پس از آنکه بر مسند خلافت تکیه زد، افزون بر صف‌آرایی نظامی، به مبارزه فرهنگی با اهل بیت (علیهم السلام) پرداخت و با تبلیغات گسترده، جایگاه امامت را در اذهان عمومی تخریب نمود و در انزوای سیاسی و اجتماعی اهل بیت (علیهم السلام) از هیچ کوششی دریغ نکرد. به طور کلی دستگاه خلافت امویان در پی تضعیف و محو کامل فرهنگ امامت برآمده بود. آیت‌الله جوادی آملی در کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی می‌نویسد:

چون آخرین درجه کمال، مسئله نبوت و امامت بود، دودمان ننگین اموی برای برهم‌زدن نظام اسلامی، از حلقه اخیر (امامت) شروع (به فعالیت گسترده‌ای)

کردند؛ یعنی بنای اسلام که بر توحید و نبوت و رسالت استوار بود و آخرین خشت آن را ولایت اهل بیت تشکیل می‌داد و با این مصالح ساختاری و مصالح معماری، بنیان مرصوص ساخته شد، بنی امیه برای واژگون کردن این کاخ مجلل الهی، ابتدا امامت را و کم‌کم نبوت را از آن جدا نمودند و سرانجام نیز وحی و توحید را انکار کردند.

در چنین شرایطی که امامت و ولایت در باور عامه به فراموشی سپرده می‌شد، امام حسین (علیه السلام) و خاندانش، به ویژه حضرت زینب کبری (علیها السلام) به دفاع از این اصل مهم پرداخت تا جایگاه آن را که میراث اهل بیت (علیهم السلام) بود، حفظ نمایند.

نهضت عاشورا

در سال ۶۰ قمری، بدعت توارث مقام خلافت و مسئله تعیین ولیعهدی از سوی معاویه مطرح شد و دستگاه خلافت اموی، به پادشاهی کامل مبدل گشت. (شهیدی، ۱۳۷۷، ۱۵) برقراری ولایتعهدی یزید در جامعه‌ای توده‌وار که دچار گسست نسلی و سکوت و خفقان بر آن حاکم شده بود، دور از انتظار نبود. بر کشیدن ردای خلافت بر دوش یزید، اوج انحراف بنیادی و جلوه‌ای آشکار از ظهور جاهلیت نو در پوشش ظاهری اسلام بود. یزید، نه در کسب قدرت مشروعیت داشت و نه در اعمال قدرت. بر همگان روشن بود که معاویه با دسیسه و ارعاب، او را بر اریکه خلافت نشانداده است. بیعت با چنین شخصیت ننگینی در جایگاه خلیفه مسلمین را امام حسین (علیه السلام) نپذیرفت؛ چراکه حضرت به خوبی آگاه بود تمام تلاش دستگاه خلافت بنی‌امیه بر بیعت گرفتن از ایشان برای یزید، با هدف رسمیت و مشروعیت بخشیدن به اسلام اموی بود.

نبرد حسین بن علی (علیه السلام) با یزید، نبرد نواده محمد (صلی الله علیه و آله) با ابوسفیان است؛ روزگاری محمد (صلی الله علیه و آله) در صیانت از نبوت - که سرچشمه‌اش توحید بود- در برابر فرزند حرب (ابوسفیان) ایستاد. حال، حسین (علیه السلام) در پاسداری از مکتب امامت - که استمرار مکتب نبوت است- در برابر یزید سینه سپر می‌کند تا مدعیان دروغین جانشینی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را خوار و ذلیل نماید و راه و مسیری روشن برای تمامی عزتمندان عالم مشخص سازد؛ راهی که از چراغ هدایت‌گر امامت



و ولایت نور می گیرد.

نقش زینب کبری (علیها السلام) در حادثه عاشورا

پس از آنکه یزید به خلافت رسید، از فرماندار مدینه خواست تا از امام حسین (علیه السلام) برای او بیعت بگیرد. امام حسین (علیه السلام) که حاضر به بیعت با یزید می خواره و خون خوار و فاسق نبود (کوفی، ۱۳۸۸، ۵/ ۱۸؛ خوارزمی، ۱۳۸۸، ۱/ ۱۸۴) با اهل بیت خود و تعدادی از بنی هاشم مدینه را به قصد مکه ترک نمود. این، آغاز سفر پردرد و رنج حسین بن علی (علیه السلام) با همراهی زینب بود. زینب در سفر حسین (علیه السلام) به مسلخ عشق، همراه امام و یار و پشتیبان او بود تا آنکه به کربلا رسیدند و عاشورا فرارسید. روز عاشورا، سخت ترین و دردناک ترین روزها برای حضرت زینب (علیها السلام) بود. ایشان شهادت فرزندان و ذریه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می دید و باید خویشتن داری و صبوری می کرد؛ چراکه سرپرست خاندان عصمت و طهارت بود. او در تمامی صحنه های دلخراش عاشورا، چون کوهی استوار مقاومت کرد تا رسالتی را که بر عهده گرفته بود، با شایستگی به سرانجام برساند. (انصاری شیرازی، ۱۳۷۶، ۷۶) بر همین اساس، در هنگامه دشوارترین لحظات زندگی، جام صبر نوشیده و جز زیبایی چیزی نمی بیند: «ما رأیت الا جمیلاً». (ابن طاووس، ۱۳۸۱، ۲۱۷ - ۲۱۹)

زینب کبری (علیها السلام) در واقعه عاشورا به امام خویش دلداری می داد و شریک غم او در شهادت عزیزانش بود. به هنگام شهادت حضرت علی اکبر (علیه السلام) زینب پیش از حسین، خود را به جنازه او رساند تا از شدت اندوه حسین بکاهد و مرهمی بر زخم دل امامش باشد. (ابن طاووس، ۱۳۸۱، ۱۵۷) حضرت زینب همچنین دو فرزندش را در روز عاشورا، فدای راه امام و مولای خویش کرد (قمی، ۱۳۸۶، ۲۴۶ و ۲۴۷) تا نشان دهد در مسیر امامت و ولایت، همه زندگی اش را در طبق اخلاص نهاده است.

از دیگر اقدامات بسیار ارزشمند زینب کبری (علیها السلام) در حفظ مقام امامت و ولایت، پرستاری و حراست از امام و حجت زمانه، امام سجاد (علیه السلام)، یگانه یادگار و فرزند امام حسین (علیه السلام) می باشد. امام زین العابدین (علیه السلام) در روز عاشورا، در تب می سوخت و زینب (علیها السلام)، چشم از ایشان برنمی داشت؛ چراکه می دانست آن حضرت، ادامه سلسله پاک امامت و ولایت است و باید از



جان امامش برای بقای مسیر راستین امامت مراقبت نماید. اوج رشادت زینب در حمایت از جان امام سجاد علیه السلام، زمانی است که امام حسین علیه السلام شهید شد و دشمن، خیمه‌ها را آتش زد و به سمت امام سجاد علیه السلام هجوم برد. زینب علیها السلام چون جان امام و یادگار خاندان نبوت را در خطر دید، پیش آمد و خود را روی حضرت انداخت و فرمود: «نمی‌گذارم او کشته شود، مگر اول مرا بکشید» و این چنین، فرومایگان را از کشتن امام منصرف کرد.

در کوفه و در مجلس ابن زیاد نیز هنگامی که فرمان قتل امام سجاد علیه السلام صادر می‌شود، دست در گردن امام انداخت و فرمود: «به خدا سوگند! دست از او برنخواهم داشت. اگر قصد کشتن او را داری، من را هم با او بکش». (الارشاد، بی تا، ۱۶/۲؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ۱۱۷/۴۵؛ ابن طاووس، ۱۳۸۱، ۲۲۰ - ۲۲۱) ابن زیاد وقتی جان‌فشانی زینب را دید، گفت: «به خدا! من این زن را چنان می‌بینم که دوست دارد من او را با این جوان بکشم. او را رها کنید که همان بیماریش او را بس است». (بهشتی، ۱۳۸۵، ۱۲۳)

نقش زینب علیها السلام پس از نهضت عاشورا

رسالت اصلی حضرت زینب پس از عاشورا بود و بر همین اساس است که او را «پیام‌آور نهضت حسینی» نام نهادند. پس از واقعه عاشورا، کاروان اهل بیت علیهم السلام، یک شب در کربلا ماند. در روز یازدهم محرم، زینب علیها السلام در حالی که فرزندان و زنان خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در چنگال چکمه‌پوشان مزدور و خون‌آشام حزب اموی گرفتار بودند، با اجبار و اکراه، کربلا را ترک کرد.

در کوفه و دربار ابن زیاد، زینب چنان رشادت و صلابتی از خود نشان داد که همه گمان کردند علی علیه السلام به کوفه بازگشته است. خطبه‌های آتشین او، بوی سخنان حضرت علی علیه السلام را می‌داد و جان‌های کوفیان را می‌سوزاند. (ابن طاووس، ۱۳۸۵، ۲۰۱) حضرت زینب کبری علیها السلام در خطبه‌های خویش، بارها به مسئله امامت و ولایت اشاره نمود و حفظ و پاسداری از آن را لازم شمرد. او با خواندن آیات قرآن، یزید و حزب اموی را خوار و نابود کرد و کارنامه سپاه امویان را بر همگان آشکار ساخت. (جوادی، ۱۳۶۰، ۱۶۰) حضرت زینب علیها السلام به مردم کوفه و شام فهماند که رهبری اسلام در اختیار فردی منحرف و خاندانی ناپاک است

و جایگاه امامت و ولایت، شایسته اهل بیت (علیهم السلام) است. آنچه در خطبه‌های زینب (علیها السلام) تجلی یافت، افشاگری و اعلام حق خاندان امامت بود. مردم در بهت و حیرت فرورفتند و دشمنی را که سال‌ها به دروغ و نیرنگ، خاندان امام علی (علیه السلام) را دور از قرآن و اسلام معرفی کرده بود، رسوا ساخت (قائمی، بی تا، ۳۶۲) و همگان را متوجه حق و باطل نمود. (بهشتی، ۱۳۸۵، ۱۲۵) خطبه‌ها و سخنرانی‌های حضرت زینب (علیها السلام)، چنان تأثیرگذار بود که بر امویان نیز اثر نهاد و حزب سلطه که از افشاگری و نتایج او می‌هراسید، مجبور به احترام ظاهری به اهل بیت (علیهم السلام) شد. (مغنیه، بی تا، ۲۵۹)

زینب (علیها السلام) فریادِ درگلو مانده حسین (علیه السلام) در تاریخ شد؛ فریادی که جهانیان را به تلاطم افکند و پایه‌های ظلم و استبداد را درهم‌افکند و نیرنگ و خدعه‌های دشمنان را برای تضعیف و محو جایگاه امامت و ولایت، نقش بر آب ساخت.

نتیجه

امامت و ولایت، اصلی لازم برای هر جامعه و مکتب است و تمامی مذاهب اسلامی، بر اهمیت و لزوم آن تأکید داشته‌اند. در مذهب تشیع، این موضوع اهمیت بیشتری دارد و از اساسی‌ترین پایه‌های این مکتب به شمار می‌آید، به گونه‌ای که تشیع بدون امامت، غیر قابل پذیرش است و فلسفه وجودی و سیاسی این مذهب، در امامت و ولایت تبلور یافته است. اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، نگاهبانی از دین اسلام و هدایت جامعه را زیر لوای امامت و ولایت تحقق‌پذیر می‌دیدند و در دفاع از آن، تمام کوشش خود را به کار بستند.

حضرت زینب کبری (علیها السلام)، بانوی بزرگ کربلا و یاور امامان زمانه خویش نیز در طول زندگی، همواره از این مقام رفیع پشتیبانی نمود. ایشان در تمامی ابعاد ولایت‌مداری، معرفت امام، تسلیم بی‌چون‌وچرا بودن، معرفی و شناساندن ولایت، فداکاری در راه آن و... سرآمد زمانه خویش است. رسالت زینب (علیها السلام) در دفاع از مقام امامت و ولایت در واقعه عاشورا و پس از آن تجلی یافت. ایشان با صبر، مقاومت، شجاعت، صلابت، دلاوری و بیان خطبه‌های آگاهانه، افکار خفته را بیدار کرد و پیام شهادت سیدالشهدا (علیه السلام) و یارانش را به عالمیان رساند.



فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه. (۱۳۶۸ش). ترجمه سیدجعفر شهیدی. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۱. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۸۱ش). اللهوف. ترجمه عباس عزیزی. قم: صلاه.
۲. انصاری شیرازی، عبدالرحمان. (۱۳۷۶). پیام زینب. بی‌جا: زمینه سازان ظهور.
۳. بشیری، اعظم. (۱۳۸۵ش). سیمای زینب علیها السلام در آیینه تاریخ. بی‌جا: نشر هاجر.
۴. بنت‌الشاطی، عایشه. (بی‌تا). بانوی کربلا. ترجمه سیدرضا صدر. بی‌جا: کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی.
۵. بهشتی، ابوالفضل. (۱۳۸۵ش). فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا. قم: بوستان کتاب.
۶. جزایری، نورالدین. (۱۴۰۴ ق). خصائص الزینبیه. بی‌جا: کتابفروشی حضرت مهدی.
۷. جواد، سیدحسن. (۱۳۶۰). زینب حماسه‌ای ابدی بر فراز تاریخ. تهران: نوید.
۸. حسینی المرعشی التستری، سیدنورالله. (۱۰۱۹ق). إحقاق الحق و ازهاق الباطل. تصحیح سیدشهاب الدین نجفی. طهران: بی‌نا.
۹. خوارزمی، محمدبن محمود. (۱۳۸۸ش). ترجمه مصطفی صادقی. قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۰. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم. (۱۴۰۰ق). الملل و النحل. تحقیق محمد سیدگیلانی. بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۷ش). خلاصه قیام امام حسین علیه السلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳ش). تحلیل مسائل امامت در المیزان. تهران: نور فاطمه.
۱۳. قائمی، علی. (بی‌تا). زندگانی حضرت زینب علیها السلام. تهران: امینی.
۱۴. قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۶ش). نفس المهموم. ترجمه میرزا ابوالحسن شعرانی. قم: کومه.
۱۵. کوفی، ابن اعثم. (۱۳۸۸ق). الفتوح. بیروت: دائرة المعارف العثمانیه.
۱۶. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق. (۱۳۶۴). اصول کافی. ترجمه سیدجواد مصطفوی. تهران: بنیاد رسالت.
۱۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲ش). بحارالانوار. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۸. محلاتی، ذبیح‌الله. (۱۳۶۴ش). ریاحین الشریعه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲ش). مجموعه آثار. تهران: صدرا.

